

قوافی ناساز در مثنوی معنوی

رضا فهیمی*

علیرضا مغفوری*

چکیده:

از جمله مباحث مربوط به قافیه مبحث عیوب قافیه است. عیوب قافیه تنها مخصوص شاعران گمنام و یا شاعران غیر معروف نیست بلکه در بین شاعران طراز اول ادبیات فارسی نیز این عیوب مشاهده می‌شود. البته ذکر این مطلب به هیچ وجه به این معنی نیست که شاعران بزرگ و توانای ادب فارسی از آوردن قوافی سالم عاجز بوده‌اند و در تنگنای قافیه قرار گرفته‌اند بلکه بعضی از آنها از جمله مولانا جلال‌الدین بلخی نوعی تجاهر به بی‌توجهی نسبت به قافیه و لفظ داشته و تنها هدف آنها بیان مقاصد و استفاده از لفظ و قافیه برای بیان اهداف آنها است، به گونه‌ای که خود مولانا هم در مثنوی و هم در کلیات دیوان شمس به این نکته اشاره کرده است. در این مقاله انواع عیوب قافیه در کل مثنوی معنوی با تعداد هر عیب و درصد هر عیب نسبت به عیوب دیگر و نسبت به کل ابیات مثنوی مورد بررسی قرار گرفته است. ابیاتی که دارای عیب قافیه بوده‌اند استخراج شده‌اند و از هر کدام از عیوب نیز چند مورد برای نمونه ذکر شده است.

مطلب دیگری که به آن پرداخته شده است مبحث نسخه بدلها است. نسخه بدلهای مثنوی با نسخه اساس ما که تصحیح نیکلسون است مورد مقایسه قرار گرفته و ابیاتی که عیب آنها با نسخه بدل برطرف می‌شود مشخص شده است.

قافیه اندیشم و دلدار من	گویدم مندیش جز دیدار من
خوش نشین ای قافیه اندیش من	قافیه دولت تویی در پیش من
حرف چبود تا تو اندیشی از آن	حرف چبود خار دیوار رزان
حرف وصوت و گفت را بر هم زنم	تا که بی این هرسه با تو دم زنم ^۱

* دانشگاه ارومیه .

• دانشگاه ارومیه .

این سخن کسی است که بهترین قافیه ها را در اشعار خود (هم در مثنوی معنوی و هم دیوان شمس) به کار برده است . حال باید دید که منظور مولانا از این ابیات چیست ؟ آیا وی کاملاً به قافیه بی اعتنا بود یا او، در پس ظاهر این اشعار ، در پی بیان مقصود دیگری است ؟

با اندکی دقت در مثنوی ، بویژه غزلیات شور انگیز دیوان شمس ، به خوبی آشکار می گردد که مولانا سالم ترین قافیه ها را در اشعار خود به کار برده است و این دلیل تبحر و استادی مولانا در شناخت سره و ناسره قوافی است . اما اینکه مولانا همواره خود را مقید به مراعات قوانین پیچیده قافیه پردازی در خلال آفرینش هنری خود بداند ، جای بحث است . وجود تعداد نه چندان زیاد قوافی معیوب در مثنوی حکایت از دو عامل دارد : یکی اینکه مولانا اشعار خود را در حالات روحی و زمانی و مکانی مختلف می سرود و با وجود ملکه شدن اصول قوافی سالم در ذهن او ، احتمال داشت که در کشاکش عواطف و عوالم حاد و طوفانی دچار بی اعتنائی نسبت به آن اصول و قواعد گردد : این روح تسلیم ناپذیر، پرشور و هیجان زده بعدها از مولانا شخصیتی ساخت که هیچ چیز حتی قافیه و حرف و صوت هم نمی توانست روح او را محدود کند و کاربه جایی رسید که حرف و ودم و قافیه هم جزو اغیار شدند:

بس کن و بیش مگو گرچه دهان پرسخن است زانکه این حرف ودم و قافیه هم اغیارند

(کلیات شمس / ج ۲ ص ۱۳۳)

او در بیتی دیگر از همین دیوان آشکارا قافیه را در کنار مغلطه نهاده آن را از لوازم ظاهر و پوسته شعر دانسته توجه بدان را در خور توجه شعرا اعلام نموده است . به قطع و یقین در این مقام تعریفی که مولانا از شاعر در ذهن خود داشته شاعران متصنع ظاهر پردازی بود که در دوره او متأسفانه تعدادشان کم نبود :

قافیه و مغلطه را گو همه سیلاب ببر پوست بود پوست بود در خور مغز شعرا

(کلیات شمس / ج ۱ ص ۳۱)

او در یکی دیگر از اشعار خود ، سخن از توفیقی به میان آورده که خداوند برای خلاص از غم قافیه اندیشی به او عنایت فرموده است :

حقم نداد غمی جز که قافیه طلبی ز بهر شعر و از آن هم خلاص داد مرا

و دیگر اینکه چون کار انشای اشعار او به عهدهٔ مریدانی چون حسام الدین چلبی سپرده شده بود، می توانست برخی از این لغزشها متوجه آنها باشد.

عده ای مثنوی را از لحاظ صنایع شعری ضعیف شمرده اند و عده ای دیگر، آن را در درجه ای می دانند که معتقدند از هر عیب و نقصی بری است. واقعیت این است که در مثنوی نیز قوافی معیوب وجود دارد، اما این ابیات به اندازه ای نیست که بتواند عظمت و فخامت کل این اثر عظیم را تحت تاثیر قرار دهد. بنا به گفتهٔ دکتر فرشیدورد، اگرچه مولانا خود به صراحت از قافیه بیزاری جسته اما بیشتر از هر کس دیگری موسیقی شعر را رعایت کرده است و حتی صنعت تسمیط را که در آن در یک بیت چهار بار قافیه مراعات می شود رابیش از هر کس دیگری به کار برده است.^۱ و بنا به گفتهٔ مرحوم زرین کوب، اینکه مولانا از قافیه اندیشی اظهار ملال می کند، اینکه نفس شعر را «خاردیوار رزان» و در مواقعی مانع نیل به سر چشمه فیض و سکر روحانی می خواند و اینکه قافیه را در ردیف مغلطه به دست سیلاب می سپارد و از مفتعلن مفتعلن که او را در اوزان سنتی محدود می دارد می نالد و به خصوص اینکه از حیث تعداد ابیات غزلها و حتی احياناً از لحاظ آهنگ اوزان پایبندی زیادی به سنتهای رایج در شعر قدما نشان نمی دهد معلوم می دارد که در اشتغال به شاعری آزاد و مختار نیست، مجبور و مضطر است.^۲

مثنوی را باید به صورت یک مجموعه در نظر گرفت و به آن به صورت یک مجموعه نگرست تا ارزش هنری و شعری آن مشخص شود و بدون دیدی کلی و تنها با توجه به تک تک اجزای آن نمی توان به ارزش آن پی برد. نکتهٔ قابل توجه دیگر اینکه اگر چه مولانا، به صراحت از قید و بند قافیه بیزاری جسته است اما گه گاه ضرورت رعایت وزن و قافیه پای او را به سوی کار برد تعبیرهای نامانوس کشانده است: به عنوان مثال عبارت عربی «الْبیک» را با «کیک» یا تعبیر عامیانه «چیک چیک» را در

۱- درباره ادبیات و نقد ادبی. ص ۱۱۴.

۲- پله پله تا ملاقات خدا. ص ۲۳۷.

قصه مرغان سلیمان با عبارت عربی «أفصح من أخیك» هم قافیه کرده است. مواردی از این قبیل در مثنوی کم نیست که قافیه اندیشی و ضرورت قافیه پردازی این شاعر توانا را مانند بسیاری دیگر به سوی عبارات رکیک، سست و عاری از ضرورت سوق داده و بنا به گفته زنده یاد زرین کوب تنسيق کلام و اجزای آن را دچار مسامحه^۱ کرده است. در بیت زیر قافیه مصرع نخست - یعنی «تاریخ» - که اصولاً باید منشاء تداعی و ساخت قافیه مصرع دوم باشد، او را به سوی عبارتی سست و تا حدی بی ربط کشانده است:

برنشتند آن زمان تاریخ را از کباب آراستند آن سیخ را

از جمله ضرورت‌های شعری دیگر که مولانا بنا به ضرورت رعایت قافیه به آنها تن داده است عبارتند از: تخفیف و تشدید ناروا و زیادت و نقصانهای بیجا، افتادن کسرۀ اضافه بعد از هاء مختفی و قافیه شدن واو معروف و واو مجهول. اما تمام اینها در کنار درصد قابل اغماض خطاهای قابل مشاهده در جریان قافیه پردازی مثنوی - که کار سرایش آن بنا به طبیعت کار مولانا در این اثر ماندگار فارغ از پیش اندیشی در مورد نحوه کاربرد قوافی بود - از مهارت شگرف او در ارائه قوافی سالم حکایت می کند.

واقعیت این است که اگرما بخواهیم همه اشعار مثنوی و یا حتی اشعار کلیات شمس را یکسان و یکدست بشماریم به خطارفته ایم، بنا به آنچه که در این مقاله ارائه خواهد شد، مثنوی از عیوب قوافی خالی نیست و بنا به آنچه دیگران گفته اند و می دانیم دیوان شمس هم پیراسته از غزلیات سست نیست^۲ اما نکته اساسی این است که ما نباید این موارد را به حساب ناآگاهی یا عدم تسلط مولانا نسبت به صنایع شعر و فنون شاعری بگذاریم، بلکه باید اذعان کرد که او هم در مثنوی و هم در غزلیات شمس مهارت خود را در آوردن بهترین قوافی و مناسب ترین صنایع به اثبات رسانده است.

۱- سرنی، صص ۲۶۴-۲۶۳ به صورت تلخیص.

۲- قدامونقادی، ص ۱۸۳.

عیوب قوافی

علمای علم عروض و قافیه، برای قافیه عیوب مختلفی ذکر کرده اند و عده ای نیز آن را به دو دسته ملقبه و غیر ملقبه تقسیم کرده اند، مهم ترین عیوبی که در اغلب منابع از آنها نام برده شده عبارتند از:

۱- اقوا ۲- اکفا ۳- سناد، ۴- شایگان ۵- ایطا

دکتر شمسیا در کتاب عروض خود، عیب دیگری را به نام غلو به این تعداد افزوده اند که در کتابهای عروضی دیگر آن را جزو عیوب غیر ملقبه دانسته اند. در ادامه این بحث بعد از ارائه تعریفی از هر کدام از آن عیوب، حاصل بررسی خود را در باره کم و کیف ظهور و بروز آن عیوب در مثنوی مطرح خواهیم کرد: اقوا: «در لغت به معنی بازتاب دادن ریسمان است.^۱» و در اصطلاح «اختلاف حدو^۲ و توجیه^۳». اختلاف حدو مانند:

ور ز جالینوس این گفت افتراست پس جوابم بهر جالینوس نیست

(دفتر سوم، ب ۳۹۷۵)

کوهها و بچرها و دشتهها بوستانها، باغها و کشتهها

(دفتر سوم ب ۵۵)

و اختلاف توجیه مانند:

هر لقب کو داد آن مبدل نشد آنکه چستش خواند او کاهل نشد

(دفتر اول ب ۱۲۳۶)

آن نظر در بخت، چشم احول کند کلب را کهدانی و کاهل کند

(دفتر ششم ب ۴۲۹)

۱- المعجم فی معاییر اشعار العجم . ص ۲۵۵ .

۲- حرکت ما قبل ردف است.

۳- حرکت ما قبل روی ساکن است . ۲۰ همان ص ۲۵۵ .

تعریفی که در مورد اقوا ارائه شد، تعریف اقوا در شعر فارسی است و اقوا در شعر عربی، اختلاف مجری^۱ را گویند.

در کل مثنوی ۳۱۹ عیب قافیه یافت شد از این میان، اقوا با ۲۰ مورد در ردیف سوم جای می‌گیرد که معادل ۶/۲۶ درصد از عیوب را به خود اختصاص داده است یعنی به طور کلی ۰/۰۷۸ درصد کل ابیات مثنوی دارای عیب اقوا است که افزایش و کاهش آن در دفاتر شش گانه مثنوی شکل خاص و معنی داری ندارد ولی تعداد این عیب در دفتر اول نسبت به دیگر بخشهای مثنوی بیشتر است. بیشترین کاربرد آن در دفتر اول، ۷ مورد و کمترین آن در دفتر چهارم با یک مورد است.

پراکندگی اقوا در دفاتر مثنوی بدین شرح است: دفتر اول ۷ مورد (۳۵٪) دفتر دوم ۲ مورد (۱۰٪) دفتر سوم ۵ مورد (۲۵٪) دفتر چهارم ۱ مورد (۵٪) دفتر پنجم ۳ مورد (۱۵٪) و دفتر ششم ۲ مورد (۱۰٪).

چاره مولانا برای گریز از این عیب این است که حرف روی را متحرک می‌کند و با این شیوه قوافی خود را از عیب اقوا نجات می‌بخشد: مثلاً نمی‌توان دو کلمه (زد) و (شد) را با هم، هم قافیه کرد اما مولانا با متحرک کردن (روی) آن دو را با هم، هم قافیه می‌کند:

ای ز غیرت برسوسنگی زده وان سبو زاشکست کاملتر شده

(دفتر اول ۲۸۶۶)

اگر متحرک کردن روی نبود بسیاری از قوافی مثنوی دچار عیب اقوا می‌شد.

اکفا: در لغت روی از مقصد و مقصود برگردانیدن است^۲ و در اصطلاح عبارت است از اختلاف حرف روی و تبدیل آن به حرفی که در مخرج بدان نزدیک تر باشد^۱. مانند اختلاف کاف و گاف در بیت زیر:

۱- اختلاف حرف روی را مجری گویند.

۲- المعجم، ص ۲۵۶.

در رحم پیدا نباشد هند و ترک چونک زاید بیندش زار و سترگ

(دفتر اول ب ۳۵۲۵)

و اختلاف ف و ب در بیت زیر :

ز آنک پستان شد حجاب آن ضعیف از هزاران نعمت و خوان و رغیب

(دفتر سوم ب ۴۸)

اگر چه شمس قیس این اختلاف را در حروف قریب المخرج دانسته است و اختلاف میان دو حرف متباعد المخرج را بسیار قبیح می شمارد و در صورت بروز آن در شعری ، آن را دیگر شعر نمی خواند ، اما در شعر شاعران بزرگی همچون مولانا ، این عیب با اختلاف در حرف روی متباعدالمخرج نیز دیده می شود. مانند :

وز جهان چون رحم بیرون شوی از زمین در عرصهٔ واسع شوی

(دفتر اول ب ۳۱۸۱)

گفت ای خواجه بیارم آینه تا بدانی که ندارم من گنه

(دفتر سوم ب ۱۵۷۳)

خرده کاریهای علم هندسه یا نجوم و علم طب و فلسفه

(دفتر چهارم ب ۱۵۱۶)

در میان عیوب یافت شده در مثنوی ، اکفا با ۱۲۶ مورد از لحاظ تعداد دومین عیب قافیه است که معادل ۳۹/۴۹ درصد از عیوب مثنوی را به خوب اختصاص داده است. ۴۹۱/۰ درصد از کل ابیات مثنوی

۱- همان . ص ۲۵۵. خواجه نصرالدین توسی در معیار الاشعار عیوب قافیه را به چند دسته تقسیم می کند : عیوبی که متعلق به حرف و حرکات است و عیوبی که متعلق به حرف و حرکات نیست . وی همچنین عیوب ملقبه و غیر ملقبه را به تفصیل شرح کرده است . وی به جای عیب اکفا « اجازت معا » را آورده و آن را نوعی از اکفا می داند . رک : معیار الاشعار . ص

دارای عیب اکفاست. بیشترین تعداد این عیب در دفتر سوم و کمترین آن در دفتر دوم به ترتیب با ۳۰ و ۱۳ مورد است. پراکندگی این عیب در دفاتر مثنوی به ترتیب زیر است:

دفتر اول ۱۸ مورد (۱۴/۲۸٪) دفتر دوم ۱۳ مورد (۱۰/۳۱٪) دفتر سوم ۳۰ مورد (۲۳/۸۰٪) دفتر چهارم ۲۱ مورد (۱۶/۶۶٪) دفتر پنجم ۲۰ مورد (۱۵/۸۷٪) و دفتر ششم ۲۴ مورد (۰/۴/۱۹٪).

سناد: در لغت به معنای اختلاف است. و در اصطلاح شعر عرب اختلاف حدوست و اختلاف تأسیس و در شعر پارسی اختلاف ردف است.^۱ مانند اختلاف حروف «ط» و «ن» در قافیه بیت زیر:

گفت بشنو گرنباشم جای لطف سر نهادم پیش از درهای عنف

(مثنوی دفتر اول بیت ۱۱۶۷)

و مانند اختلاف ردف در قوافی ابیات زیر:

از کمال طالع و اقبال و بخت او ایازی بود و شه محمود وقت

(دفتر اول بیت ۱۱۶۷)

گفت بسیار آن بلیس از مکرو غدر میر ازو نشنید کرد استیز و صبر

(دفتر دوم ب ۲۷۶۴)

عیب سناد با ۱۳۵ مورد در مثنوی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است، که ۴۲/۳۱ درصد عیوب مثنوی است و ۵۲۶/۰ درصد از کل ابیات مثنوی را شامل می شود.

بیشترین مورد این عیب در دفتر دوم با ۲۷ مورد (۲۰٪) و کمترین مورد در دفتر اول ۱۳ مورد (۹/۶۲٪) است.

ترتیب پراکندگی این عیب در دفاتر مثنوی به این شرح است:

دفتر اول ۱۳ مورد (۹/۶۲٪) دفتر دوم ۲۷ مورد (۲۰٪) دفتر سوم ۲۶ مورد (۱۹/۲۵٪) دفتر چهارم ۲۳ مورد (۱۷/۰۳٪) دفتر پنجم ۲۰ مورد (۱۴/۸۱٪) و دفتر ششم ۲۶ مورد (۲۵/۱۹٪).

ایطا: « بازگردانیدن قافیتی است دوباره و آن دو نوع است جلی و خفی »^۱

کمال الدین و اعظ کاشفی ایطا را اینگونه تعریف کرده است: « ایطا در لغت قدم برجای قدم دیگری نهادن باشد و در اصطلاح عبارت است از تکرار قافیه و این را ایطا از آن جهت گویند که چون قافیه ای به موضع قافیه دیگر نشانده شود چنان باشد که یکی قدم برجای قدم دیگری نهد. ایطا دو نوع است جلی و خفی. اما ایطا جلی آنست که کلمه ای را به یک معنی دوبار باز آرند... اما ایطا خفی آنست که بعضی از حروف زواید در قصیده مکرر گردانند بروجهی که میان هر دو فرقی [توان] نهاد. مانند تکرار پسوند « بان » در قافیه بیت زیر:

گفت یک گوشه است آن باغبان هست اینجا گرگ را او پاسبان

(دفتر سوم بیت ۶۲۸)

و مانند تکرار پسوند نسبت « سانی » در قافیه این بیت:

گرچه آتش نیز هم جسمانی است نه ز روحست و نه از روحانی است

(دفتر چهارم ب ۱۸۷۹)

ایطا در میان عیوب قافیه مثنوی معنوی کمترین تعداد بعد از غلو را به خود اختصاص داده است، یعنی ۱۶ مورد که معادل ۵/۰۱ درصد کل عیوب یافته شده در آن کتاب است. در نگاه کلی ۰/۰۶۲ درصد کل ابیات مثنوی دارای این عیب است. بیشترین تعداد این عیب در دفتر پنجم با ۴ مورد و کمترین آن در دفتر اول با ۱ مورد است. آمار بدست آمده نشان می دهد که عیب ایطا در سه دفتر دوم مثنوی بیشتر از سه دفتر اول آن است.

۱- المعجم. ص ۲۵۶.

۲- بدایع الافکار. ص ۹۱-۹۰.

پراکندگی این عیب در ۶ دفتر مثنوی به شرح زیر است :

دفتر اول ۱ مورد (۶/۲۵٪) دفتر دوم ۳ مورد (۱۸/۷۵٪) دفتر سوم ۲ مورد (۱۲/۵٪) دفتر چهارم ۳ مورد (۱۸/۷۵٪) دفتر پنجم ۴ مورد (۲۵٪) و دفتر ششم ۳ مورد (۱۸/۷۵٪).

شایگان: معادل فارسی ایضا است. صاحب بدایع الافکار به نقل از معیار الاشعار شایگان را به دو دسته جلی و خفی تقسیم می کند. وی شایگان خفی را الف و نون آخر کلمات که معنی فاعلیت می دهد مانند خندان و گریان و یا و نون نسبت مانند زرین و سیمین می داند.

او شایگان جلی را الف و نونی می داند که در اواخر اسما، معنی جمع دهد چون خسروان، پادشاهان و ها و الف جمع چون سرها و پایها و یا «دال خطاب» چون بروید و بیایید و نون ودال غایب چون گویند و شنوند و یا میم متکلم چون خوانیم و نویسیم آمده باشد.^۱

اگر چه صاحب بدایع الافکار استعمال قافیه شایگان را ناروا دانسته و آن را از علل معیوب شدن قافیه به حساب آورده اما این مبحث را جداگانه آورده و جزء فصل عیوب قافیه ذکر نکرده است.

یاد آوری این نکته ضروری است که مراد ما از شایگان در این مقاله همان شایگان جلی است.

انبیا طاعات عرضه می کنند دشمنان شهوات عرضه می کنند

(دفتر دوم بیت ۲۶۸۵)

جِذا ارواح اخوان ثقات مسلمات مؤمنات قانات

(دفتر پنجم بیت ۳۴۹)

شایگان با ۱۸ مورد چهارمین عیب از لحاظ تعداد عیوب مثنوی است که معادل ۵/۶۴ درصد عیوب آن کتاب و ۰/۰۷۰ درصد از کل ابیات مثنوی است. بیشترین محل وقوع این عیب در دفتر اول با ۴۴/۴۴ درصد و کمترین آن در دفاتر پنجم و ششم با ۵/۵۵ درصد است. وقوع این عیب در دفاتر مثنوی سیر نزولی داشته است.

ترتیب پراکندگی این عیب در دفاتر شش گانهٔ مثنوی به شرح زیر است :

دفتر اول ۸ مورد (۴۴/۴۴٪) دفتر دوم ۲مورد (۱۱/۱۱٪) دفتر سوم ۴ مورد (۲۲/۲۲٪) دفتر چهارم ۲ مورد (۱۱/۱۱٪) دفتر پنجم و ششم هر کدام یک مورد و (۵/۵۵٪).

غلو: دکتر شمسیا این عیب را جزو عیوب ملقبه به حساب آورده است در حالی که کتب قدیم آن را جزو عیوب غیر ملقبه به حساب آورده اند. و آن عبارت است از اینکه روی را در جایی ساکن و در جایی متحرک بیاورند.

یوم دین که زلزلت زلزآلها این زمین باشد گواه حالها

(دفتر اول ۳۲۷۶)

کوتحدث چهره اخبارها در سخن آید زمین و خارها

(دفتر اول ۳۲۷۷)

قلعها هم گرد آن دو بقعها شد مسلم و زغنایم نفعها

(دفتر سوم ۴۵۰۶)

عیب غلو ۳ مورد در مثنوی یافت شد که از لحاظ تعداد، کمترین عیب یافت شده در آن کتاب است. این تعداد معادل ۰/۰۹۴ درصد ابیات معیوب مثنوی و ۰/۰۱۱ درصد کل ابیات مثنوی است.

۲مورد از این عیب در دفتر اول و ۱ مورد در دفتر سوم یافته شد: که به ترتیب ۶۶/۶۶ درصد و ۳۳/۳۳ درصد است. در سه دفتر دیگر یافت نشد.

کل ابیات مثنوی - بر اساس نسخهٔ نیکلسون - ۲۵۶۲۵ بیت است که ۳۱۹ بیت آن یعنی ۱/۲۴ درصد آن دارای قافیه معیوب است.

نام عیب	تعداد	نسبت به تعداد عیبها	نسبت به کل ابیات مثنوی
سناد :	۱۳۵مورد	۴۲/۳۱٪	۰/۵۲ درصد

اکفا:	۱۲۶ مورد	۳۹/۴۹ درصد	۰/۴۹۱ درصد
اقوا:	۲۰ مورد	۶/۲۶ درصد	۰/۰۷۸ درصد
شایگان:	۱۸ مورد	۵/۶۴ درصد	۰/۰۷۰ درصد
ایطا:	۱۶ مورد	۵/۰۱ درصد	۰/۰۶۲ درصد
غلو:	۳ مورد	۰/۰۹۴ درصد	۰/۰۱۱ درصد

نسخه بدلها:

همه این عیوبی که در بالا آمد بدون در نظر گرفتن نسخه بدلها و بر اساس متن مصحح نیکلسون لحاظ شده است. اما از آنجا که بنظر می رسد برخی از این عیوب با اعمال اختلاف ثبت نسخ دیگر قابل اصلاح است در این بخش، تنها به ذکر اختلاف نسخ در مورد آن ابیات پرداخته ایم. در این بخش، علاوه بر نسخه نیکلسون و نسخه بدلهایی که او در پاورقی آورده، از نسخه های تصحیح دکتر توفیق سجانی و تصحیح دکتر سروش که بر اساس نسخه قونیه به چاپ رسیده بهره گرفته شده است. از مهمترین مواردی که عیوب قافیه با توجه به نسخه بدلها بر طرف می شود، قافیه ممال است که در تصحیح نیکلسون رعایت نشده و لحاظ کردن آن به خواننده مثنوی واگذار شده است. صورت تغییر یافته این گروه از قوافی مثنوی در نسخه بدل ها به صورت ممال آورده شده است.

از تعداد ۳۱۹ قافیه معیوب، ۷۹ مورد آن با نسخه بدلها بر طرف می شود که معادل ۲۴/۷۶ درصد آن است. از ۲۰ مورد اقوا ۱۲ مورد با نسخه بدلها بر طرف می شود که معادل ۶۰ درصد آن است:

۱ مثال: نیکلسون: کرد با وی شاه آن کاری که گفت خلق اندر کار او مانده شگفت

(دفتر اول ب ۳۶۱)

سروش: کرد با وی شاه آن کاری که گفت خلق حیران مانده زان مکر نهفت

- ۲- نیکلسون : آن دگر گفتی که سحر ست و طلسم
کین رصد باشد عدو جان و خصم
(دفتر سوم ب ۳۹۲۷)
- Buk. : آن دگر گفتی که سحر ست و طلسم
کین رصد باشد عدو جان و جسم
پس جوابم بهر جالینوس نیست.
(دفتر سوم ب ۳۹۷۵)
- Bul. : ور ز جالینوس این گفت افتریست
پس جوابم بهر جالینوس نیست
او طمع فرمود ذلّ من طمع
(دفتر پنجم ب ۲۶۹۴)
- ۴- نیکلسون : امر حق جانست و من آن را تبع
سبحانی : امر حق جانست و من آن را تبع
او طمع فرمود ذلّ من طمع
آنکه چستش خواند او کاهل نشد
(دفتر اول ۱۲۳۶)
- ۵- نیکلسون : هرلقب کو داد آن مبذل نشد
سروش : هرلقب کو داد آن مبذل نشد
آنکه چستش خواند او کاهل نشد
ماه او چون می شود پروین گُسل
(دفتر اول ب ۳۹۹۲)
- ۶- نیکلسون : اینت لطف دل که از یک مشت گل
سروش : اینت لطف دل که از یک مشت گل
ماه او چون می شود پروین گُسل
بـوستانها ، باغها و کشتهها
(دفتر سوم ب ۵۵)
- ۷- نیکلسون : کوهها و بحررها و دشتهها
سبحانی : کوهها و بحررها و دشتهها
بـوستانها ، باغها و کشتهها

سناد :

از ۱۳۵ مورد سناد ۴۱ مورد با نسخه بدلهای بر طرف می شود (۳۰ درصد) :

- ۱- نیکلسون : تا به جای او شناسیمش امام
دست و دامن را بدست او دهیم
(دفتر اول ب ۶۶۹)

- Bul:** تا به جای او شناسیمش امیم
دست و دامن را بدست او دهیم
- ۲- نیکلسون: آب غالب شد بر آتش از نهیب
آتشش جوشد چو باشد در حجاب
(دفتر اول ب ۲۴۲۹)
- Bul:** آب غالب شد بر آتش از نهیب
آتشش جوشد چو باشد در حجاب
۳- نیکلسون: خود قوی تر می شود خمر کهن
خود شهی تر می بود زر کهن
(دفتر اول ب ۲۹۴۲)
- سبحانی: خود قوی تر می شود خمر کهن
خاصه آن خمری که باشد من لکن
۴- نیکلسون: لیک بر شیری مکن هم اعتماد
اندر آ در سایه نخل امید
(دفتر اول ب ۲۹۶۰)
- Bul:** لیک بر شیری مکن هم اعتماد
۵- نیکلسون: گور می گیرند یارانت بدشت
اندر آ در سایه نخل امید
کور می گیری تو در کوی این بدست
گور می گیرند یارانت به دشت
(دفتر دوم ب ۲۳۶۰)
- سروش: گور می گیرند یارانت به دشت
۶- نیکلسون: من ترا بیدار کردم از نهیب
کور می گیری تو در کوی این بدست
تا نسوزاند چنان آهی حجاب
(دفتر دوم ب ۲۷۸۳)
- Bul:** من ترا بیدار کردم از نهیب
۷- نیکلسون: هفت دریا گر شود کلی مداد
تا نسوزاند چنان آهی حجاب
نیست مر پایان شدن را هیچ امید.
(دفتر دوم ۳۵۴۴)
- Bul:** هفت دریا گر شود کلی مدید
نیست مر پایان شدن را هیچ امید.
- ۸- نیکلسون: درفکن در نیلش وکن اعتماد
من ترا باوی رسانم روسپید
(دفتر سوم ب ۹۶۰)
- Bul:** درفکن در نیلش وکن اعتماد
من ترا باوی رسانم روسپید

۹- نیکلسون : روزی بی رنج جویی بی حساب کز بهشتت آورد جبریل سبب
(دفتر سوم ب ۲۵۴۰)

BU1 : روزی بی رنج جویی بی حساب کز بهشتت آورد جبریل سبب
۱۰- نیکلسون: مثل نبود لیک باشد آن مثال تا کند عقل محمد (ص) را گسیل
(دفتر ششم ب ۱۱۸)

ABU1 : مثل نبود لیک باشد آن مثال تا کند عقل محمد (ص) را گسیل

ایطا :

۱ مورد از عیوب ایطا با نسخه بدل بر طرف می شود (۸/۱۴ درصد) :

نیکلسون : نقشه‌هایی کاندردین گرمابه‌است از برون جامه همچون جامه هاست
(دفتر اول ب ۲۷۷۰)

سروش. سبحانی : نقشه‌هایی کاندردین حمامه‌است از برون جامه کن چون جامه‌است

اکفا :

از ۱۲۶ مورد اکفا ۲۴ مورد آن با نسخه بدلها بر طرف می شود که معادل ۱۹/۰۷۴ درصد است .

۱- نیکلسون : بت سیاهابه است اندر کوزه نفس مرآب سیه را چشمه
(دفتر اول ب ۷۷۵)

سروش : بت سیاهابه است در کوزه نهان نفس مرآب سیه را چشمه دان

۲- نیکلسون : بی طلب تو این طلب مان داده بی شمار و حد عطاها داده
(دفتر اول ب ۱۳۳۸)

B.Bul : بی طلب تو این طلب مان داده ای گنج احسان بر همه بگشاده ای

۳- نیکلسون : از جهان چون رحم بیرون شوی از زمین در عرصه و اسع شوی
(دفتر اول ب ۳۱۸۱)

سبحانی و سروش : از جهان چون رحم بیرون روی از زمین در عرصه و اسع شوی

- ۴- نیکلسون : کشت ایشان را که ما ترسیم ازو
 ور خود این برعکس کردی وای تو
 (دفتر دوم ب ۳۰۵۸)
- L : کشت ایشان را که ما ترسیم از آن
 ور خود این برعکس کردی وای جان
 ۵- نیکلسون: حاکم اندیشه ام محکوم نی
 زانکه بنا حاکم آمد برینا
 (دفتر دوم ب ۳۵۵۸)
- Bul : حاکم اندیشه ام محکوم نی
 زانکه بنا حاکم آمد برینی
 ۶- نیکلسون : زانک پستان شد حجاب آن ضعیف
 از هزاران نعمت و خوان و رغیب
 (دفتر سوم ب ۴۸)
- سروش و سبحانی : زانکه پستان شد حجاب آن ضعیف
 از هزاران نعمت و خوان و رغیب
 ۷- نیکلسون : یک زبان دفع زبانها می شدی
 جسم و جان ماست جانها را فدا
 (دفتر سوم ب ۳۳۴۰)
- Bul: یک زبان دفع زبانها می شدی
 جسم و جان ماست جانها را فدی
 ۸- نیکلسون : خوی کن بی شیشه دیدن نور را
 تا چوشیشه بشکند نبود غمی
 (دفتر پنجم ب ۹۹۱)
- سروش خوی کن بی شیشه دیدن نور را
 تا چوشیشه بشکند نبود غمی
 ۹- نیکلسون : از نواز شاه آن زار حنید
 در تن خود غیر جان جانی بدید
 (دفتر ۶ ب ۴۶۳۸)
- سبحانی : از نواز شاه آن زار حنید
 در تن خود غیر جان جانی بدید

شایگان :

از ۱۸ مورد شایگان ۱ مورد معادل ۵/۵۵ درصد با نسخه بدل بر طرف می گردد :

- نیکلسون : هر پیمبر در میان امتان
 همچنین تا مخلصی می خواندشان
 (دفتر اول ب ۱۰۰۲)

سبحانی : هر پیمبر امتان را در جهان همچنین تا مخلصی می خواند آن

غلو :

از سه مورد عیب غلو هیچ کدام با نسخه بدلها بر طرف نمی گردد.

در مورد نسخه بدلها بیان این نکته ضروری است که اگرچه نسخه دکتر توفیق سبحانی و دکتر سروش بسیار نزدیک به هم هستند و اختلاف آنها بسیار اندک است اما از لحاظ رسم الخط نسخه دکتر سروش که براساس نسخه قونیه به چاپ رسیده تقریباً با نسخه نیکلسون یکسان است در حالی که نسخه تصحیح دکتر توفیق سبحانی از این لحاظ با آن دو متفاوت است .

تناسب بین عیوب :

بین عیوب ایطا و شایگان رابطه معکوس وجود دارد . یعنی با کم شدن یکی دیگری زیاد می شود و بالعکس. به عنوان مثال در دفتر اول که کمترین تعداد ایطا به چشم می خورد بیشترین تعداد شایگان وجود دارد. در دفتر پنجم که کمترین تعداد شایگان به چشم می خورد، بیشترین تعداد ایطا وجود دارد. همچنین در دفاتر دوم ، چهارم و پنجم به تعداد ایطا افزوده می شود در حالی که در همین سه دفتر از تعداد شایگان کاسته شده است .

بیشترین تعداد شایگان و اقوا در دو دفتر اول و سوم مشاهده می شود . در دفتر سوم بیشترین کاربرد اکفا و کمترین کاربرد ایطا به چشم می خورد .

پراکندگی عیوب در دفاتر مثنوی بدین شرح است: دفتر اول : ۴۹ مورد ، دفتر دوم: ۴۷ مورد ، دفتر سوم : ۶۸ مورد ، دفتر چهارم: ۵۱ مورد ، دفتر پنجم: ۴۸ مورد ، دفتر ششم: ۵۶ مورد .

تناسب تعداد قوافی معیوب با ردیف :

با توجه به بررسی آمارهای صورت گرفته ، معلوم شد که غیر از اقوا که تعداد آن در ابیات مردف و غیر مردف یکسان است ، در بقیه عیوب ، قوافی معیوب بیشتر در ابیات غیر مردف مشاهده می شود که در اکفا این اختلاف به اوج خود می رسد

عیوب		تعداد ابیات مردف درصد آن		ابیات غیر مردف درصد آن	
اقوا	۲۰	۱۰	۵۰ درصد	۱۰	۵۰ درصد
سناد	۱۳۵	۲۶	۱۹/۲۵ درصد	۱۰۹	۸۰/۷۴ درصد
ایطا	۱۶	۴	۲۵ درصد	۱۲	۷۵ درصد
غلو	۳	۰	۰ درصد	۳	۱۰۰ درصد
شایگان	۱۸	۳	۱۶/۶۶	۱۵	۸۳/۳۳ درصد
اکفا	۱۲۶	۱۱	۸/۷۳	۱۱۵	۹۱/۲۶ درصد

آیا می توان گفت که برخی از کلمات در گویش مولانا به گونه ای متفاوت از آنچه امروزه تلفظ می شود ادا می شده است؟^۱

با بررسی آثار شاعران معاصر مولانا و همچنین شاعرانی که از خراسان برخاسته اند مشخص شد که مولانا بعضی از کلمات را مطابق گویش خاصی از گویشهای منطقه خراسان وارد آثار خود ساخته است و این گویش در روزگار مولانا نیز همانند روزگار معاصر در ادای برخی واژه ها با گویش مناطق دیگر، بویژه گویش مناطق عراق عجم متفاوت بوده است . مثلاً قافیه کردن کلمه « تو » با « او » در شعر مولانا بی دلیل و از روی عدم آگاهی وی یا تن دادن به تنگنای قافیه نیست ، بلکه باید آن را نوعی از تلفظ محلی خاص خراسان بشمار آورد که ظاهراً امروزه نیز در همان مناطق بدان صورت ادا می شود . تذکر این نکته

۱- در نگارش این بخش از مقاله از راهنمایی بسیار ارزنده استاد محترم جناب آقای دکتر شفیع کدکنی بهره مند بودیم .

ضروری است که نشانه های این گویش خاص ، تنها در آثار شاعرانی قابل یافت است که خاستگاه آنها محیط بلخ و نواحی اطراف آن می باشد ، از این رو جستجوی آن در اشعار شاعران دیگر مناطق خراسان راه بجایی نخواهد برد . در کتاب لباب الالباب می توان نمونه های فراوانی از این گروه شاعران و گویش خاص آنها را یافت . در همین کتاب شعری از شاعری به نام بهاء الدین الکریمی السمرقندی نقل شده است که ابیات آن به قوافی ابرو ، سو ، خو ، کو ، گیسو ... ختم شده است . در یکی از ابیات این شعر کلمه « تو » با قوافی اخیر هم قافیه شده است :

ای به تو هفت زمین را اثر هشت بهشت چار ارکان به دو صد قرن ندیدند چو تو^۱

در شعری از قاضی امام شمس الدین منصور بن محمود الاوزجندی ، قافیۀ « تو » در ردیف قافیه هایی چون : سو ، آهو ، مینو ، زانو و گیسو آمده است :

بر خیز که شمعت و شرابست و من و تو آواز خروس سحری خاست زهر سو^۲

مولانا نیز بر اساس دلبستگی به گویش خاص زادگاه خود بارها ضمیر « تو » را با کلماتی چون : رو ، سو ، مو ، جستجو و کو ... هم قافیه ساخته است

دوست حق است و کسی کش گفت او که تووی آن من و من آن تو

(دفتر سوم ب ۴۶۱۴)

بـــــر مسلمانان زبان انداز تو کیسه و همیانها را کن دو تو

(دفتر سوم ب ۳۳۷۰)

گفت اگر آسان نماید این به تو این چنین آسان یکی سوره بگو

(دفتر سوم ب ۴۲۴۲)

مولانا در مثنوی، ۶۵ بار ضمیر « تو » را در قافیۀ مصرع اول آورده است که از این تعداد تنها دو بار آن را با کلمۀ « نو » و یک بار با کلمۀ « شو » (بیرون شو) هم قافیه ساخته است و در باقی ابیات آن را در برابر قافیه هایی چون : سو ، خو ، انصتوا ، رو و مانند آنها قرار داده است .

در این گویش عدد « دو » براحتی قابل هم قافیه شدن با الفاظی چون : سو ، گیسو ، جادو ، آهو ست . در شعری از شمس الدین محمدبن عبدالکریم طبسی نیز همین ویژگی را مشاهده می کنیم :

از روی تو چون کرد صبا طره به یکسو	فریاد برآورد شب غالیه گیسو...
ای زلف شب انگیز و رخ روز تمامت	چون عنبر و کافور به هم ساخته هر دو
این نمط وین نوع ده دفتر و دو	بر نوشت آن دین عیسی را عدو

(دفتر اول ب ۴۹۹)

از همین نوع است هم قافیه شدن « خود » با کلماتی چون : بد ، سرمد ، ید . مولانا ۶۰ بار در مثنوی کلمۀ « خود » را در قافیۀ مصرع اول قرار داده است و از این تعداد تنها دو بار آن را با فعل « شد » هم قافیه ساخته است در حالی که در باقی موارد آن را در برابر کلماتی چون « زد » ، « خرد » ، « معتمد » ، « صمد » و امثال آن قرار داده است :

ما چو اسماعیل ز ابراهیم خود	سر نیچیم ار چه قربان می کند
-----------------------------	-----------------------------

(دفتر ششم ب ۴۸۸۲)

عقل را یاد آید از پیمان خود	پرده نسیان بدراند خود
-----------------------------	-----------------------

(دفتر چهارم ب ۲۲۸۹)

کآن ید الله آن حدث را هم بخود	خوش همی شوید که دورش چشم بد
-------------------------------	-----------------------------

(دفتر پنجم ب ۱۲۲)

زین سبب عیسی بدان همراه خود در نیاموزید آن اسم صم —

(دفتر دوم ب ۳۰۷)

عیوب بیشتر در کلمات عربی است یا فارسی ؟

آمارهای بدست آمده نشان می دهد که در مثنوی ، قوافی فارسی بیش از قوافی عربی در معرض عیبناکی قرار گرفته اند . این نسبت تنها در عیب سناد متفاوت از باقی شده است .

قوافی عربی و درصد آن		قوافی فارسی و درصد آن		تعداد	عیب
۳۰ درصد	۶	۷۰ درصد	۱۴	۲۰	اقوا
۶۸/۸۸ درصد	۹۳	۳۱/۲۲ درصد	۴۲	۱۳۵	سناد
۱۲/۵ درصد	۲	۸۷/۵ درصد	۱۴	۱۶	ایطا
۱۰۰ درصد	۳	۰ درصد	۰	۳	غلو
۳۸/۸۸ درصد	۷	۶۱/۱۱ درصد	۱۱	۱۸	شایگان
۲۳/۸۰ درصد	۳۰	۷۶/۱۹ درصد	۹۶	۱۲۶	اکفا
۴۴/۵۱ درصد	۱۴۲	۵۵/۴۸ درصد	۱۷۷	۳۱۹	همه عیوب

عیوب بیشتر در قافیه اول دیده می شود و یا قافیه دوم ؟

از آنجا که در قالب مثنوی بطور طبیعی قافیه مصرع نخست ، پایه ساخت و تداعی قافیه مصرع دوم است ، ضرورتاً باید قوافی مصرعهای نخست ابیات آن قالب سالم ترین قوافی باشد ؛ از این رو در مثنوی مولانا نیز عیوب قافیه در قوافی مصرع های دوم بیشتر از مصرع های اول دیده می شود . از ۳۱۹ بیت که دارای عیب قافیه هستند ، در ۵۹ بیت عیب قافیه در مصرع اول است و در ۲۶۰ بیت عیب قافیه در مصرع دوم می باشد که نسبت آنها ۱۸/۴۸ درصد به ۸۱/۵۲ درصد است .

فهرست منابع و مآخذ

۱. افلاکی ، شمس الدین احمد . مناقب العارفين . چاپ دوم : ۱۳۶۲ . تهران . انتشارات دنیای کتاب .
۲. جلال الدین رومی ، کلیات شمس ، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر . انتشارات امیر کبیر . چاپ سوم : ۱۳۶۳ .
۳. جلال الدین رومی . مثنوی معنوی . تصحیح نیکلسون . چاپ سوم : ۱۳۷۲ . تهران . انتشارات شرق .
۴. جلال الدین رومی . مثنوی . تصحیح دکتر سروش . چاپ دوم : ۱۳۷۶ . تهران . انتشارات علمی فرهنگی .
۵. جلال الدین رومی . مثنوی معنوی . به کوشش دکتر توفیق سجانی . چاپ اول : ۱۳۸۰ . تهران . انتشارات روزنه .
۶. زرین کوب ، عبدالحسین . پله پله تا ملاقات خدا . چاپ دهم : ۱۳۷۵ . انتشارات علمی .
۷. زرین کوب ، عبدالحسین . سرنی . جلد اول . چاپ اول : ۱۳۶۴ . انتشارات علمی .
۸. سعدی ، مشرف الدین . کلیات دیوان . به اهتمام محمد علی فروغی . چاپ سوم : ۱۳۶۳ . تهران . انتشارات امیر کبیر .
۹. شمس قیس رازی . المعجم فی معاییر اشعار العجم . به کوشش دکتر سیروس شمیسا . چاپ اول : ۱۳۷۳ . تهران . انتشارات فردوس .
۱۰. شمیسا ، سیروس . آشنایی با عروض و قافیه . چاپ سیزدهم : ۱۳۷۶ . تهران . انتشارات فردوس .

۱۱. عطار نیشابوری. کلیات دیوان اشعار. تصحیح تقی تفضلی. چاپ چهارم: ۱۳۶۶. تهران.

انتشارات علمی فرهنگی.

۱۲. عوفی، محمد. تذکره لباب الالباب. به اهتمام ادوارد براون. انتشارات کتابفروشی فخر رازی

. چاپ اول: ۱۳۶۱.

۱۳. فرشید ورد، خسرو. درباره ادبیات و نقد ادبی. چاپ اول: ۱۳۶۳. انتشارات امیر کبیر.

۱۴. کمال الدین حسین واعظ کاشفی. بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. ویراسته دکتر میر جلال

الدین کزازی چاپ اول: ۱۳۶۱. تهران. نشر مرکز.

۱۵. کیانوش، محمود. قدما و نقد ادبی. چاپ اول: ۱۳۵۴. تهران. انتشارات رز.

۱۶. گولینارلی، عبدالباقی. مولانا جلال الدین. ترجمه و توضیحات دکتر توفیق سبحانی. چاپ

سوم: ۱۳۷۵. تهران. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۷. نصیرالدین توسی. معیار الاشعار. تصحیح دکتر جلیل تجلیل. چاپ اول: ۱۳۶۹. نشر جامی.

انتشارات ناهید.